

شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن و انقلابی از دیدگاه قرآن کریم

احمد داوری چلقائی^۱، مهدی باکویی^۲

چکیده

پیروان انبیاء علیهم‌السلام با تاسی به آموزه‌های توحیدی در مسائل گوناگون مورد احتیاج جوامع بشری، نگرش و رفتاری داشتند که مورد تأیید آیات و حیانی قرآن قرار گرفته و از آنها به نیکی یاد شده است، بخشی از این تعامل مربوط به مسائل اقتصادی است که بررسی آن علاوه بر ارائه الگوی فردی، برای دستگاه‌های برنامه‌ریز و اجرایی حکومت‌های منشعب از تعالیم قرآن آموزه‌های گره‌گشا ارائه می‌کند؛ پژوهش پیش رو با طبقه‌بندی و تحلیل آیات قرآن کریم و با کمک منابع کتابخانه‌ای در پی تحلیل مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی پیروان انبیاء علیهم‌السلام به عنوان نیروهای مؤمن انقلابی از نگاه تعالیم جامع قرآن است تا بتواند علاوه بر دفاع از ماهیت انقلابی‌گری و مقابله با شبهه ناکارآمدی قوانین اقتصادی آنها، با ارائه نمونه‌های متعدد موفق، برای پیشرفت اقتصادی و گذر از تنش‌های اقتصادی دشمنان راهبردهای کلی ارائه کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد داشتن قوانین سالم اقتصادی و شفافیت آنها، تلاش، استقلال مالی، مدیریت بحران، کمک اقتصادی به هم‌نوعان، مبارزه با اقتصاد ناسالم، فساد و ناهنجاری‌های آن، همپایگی مالی با مردم و مبارزه با اشرافی‌گری مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی از منظر قرآن هستند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، نیروهای مؤمن انقلابی، شاخص، قرآن کریم.

۱. دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن قم.
ahaddavari@gmail.com

۲. مهدی باکویی، استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تفسیر و معارف قرآن قم.
bakouei2011@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

بر اساس آیات قرآن، مسائل اقتصادی با قوام جامعه ارتباط تنگاتنگی دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷/۳۲۵)، در روایتی از حضرت علی علیه‌السلام یکی از اسباب تغییر حکومت و انقلاب‌ها، عدم تلاش اقتصادی برای بهبود زندگی مردم معرفی شده است: *مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ مُؤْنَةَ النَّاسِ فَقَدْ أَهَلَ قُدْرَتَهُ لِإِنْتِقَالِهَا*^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۳۳). بررسی مصداقی رفتار برخی از مسلمانان در گرایش به اسلام افراطی نیز بیانگر تأثیر معنادار مسائل اقتصادی در این رویگردانی است. (دیانت و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۱-۱۲۱). همچنان که تشابه عصر کنونی با صدر اسلام در برخی از حوزه‌های اقتصادی نظیر تحریم نیز مشهود است؛ تحریم مسلمانان در شعب ابی‌طالب (طبرسی، ۱۴۱۷ ق: ۱/۱۲۵ - ۱۳۰؛ طبری، ۱۳۸۷ ق: ۲/۳۳۵ - ۳۳۷) و تلاش منافقان برای جلوگیری از کمک مالی به مسلمانان در مدینه (منافقون: ۷) فقط گوشه‌هایی از این تشابه‌هاست که قرآن نگرشی جامع برای پاسخ به این مسائل دارد. نگرشی توأمان به مسائل دنیوی و اخروی اقتصاد، مسائل فردی و اجتماعی و ذکر مصادیق اقتصادی در ضمن تبیین نکات اخلاقی و اعتقادی که برخلاف نظر نظام‌های اقتصادی غیر الهی است (معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۴۴؛ ایروانی، ۱۳۸۳: ۹۳ - ۱۲۰؛ فتحعلیانی و حسینی، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۲۹).

از طرف دیگر کتاب آسمانی قرآن یکی از مهم‌ترین منابع نظریه‌پردازی نیروهای مؤمن انقلابی بوده و برای کمال بشر و با هدف رهان‌اندن از تاریکی جهالت و ضلالت به روشنایی عقل و هدایت، رهنمودهای موردنیاز را به‌صورت کلی ارائه کرده است که بخش‌هایی از آنها در حوزه اقتصاد است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیرگذاری آن در منطقه و جهان، استکبار جهانی را به رویارویی و مبارزه با این نهاد نوپا در بخش‌های مختلف وادار کرد، یکی از مهم‌ترین بخش‌های این تقابل عرصه‌ی اقتصادی است که برخلاف مسائل علمی و نظری صرف، برای عموم مردم قابل لمس و سنجش است، لذا دشمن با سرمایه‌گذاری در این حوزه، درصدد القای شبهه‌ی ناکارآمدی نظام اسلامی است و برای مقابله با این شبهه، باید توان اقتصادی کشور اعم از نیروهای انسانی و سرمایه‌های غیرانسانی تبیین شده و در ۱. هر کسی [از حاکمان] که مؤونه و نیازهای مردم را برآورده نکند، سزاوار است که قدرتش به دیگران منتقل شود.



مرحله‌ی اجرا، برنامه‌ریزی مناسب برای گذر از تنش‌های اقتصادی صورت پذیرد. تبیین شاخص‌های نیروهای مؤمن انقلابی در مواجهه با مسائل اقتصادی علاوه بر کمک به هدف فوق، در تبیین صحیح و شفاف مفهوم انقلابی‌گری مؤثر بوده و باعث مرزبندی دقیق‌تری بین نیروهای انقلاب با صفوف ضدانقلاب، مخالفان، معاندان و منافقان می‌گردد؛ بدین ترتیب می‌توان از برخی آسیب‌های ناشی از تبیین نادرست مسائل اقتصادی جلوگیری و درمان برخی نواقص و معایب را با تبیین وظیفه‌ی گروه‌های مختلف هموار کرد تا با ارائه‌ی بحث نظری و راهبردی در سیاست‌گذاری اقتصادی کارا باشد.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر در راستای تبیین ظرفیت قرآن کریم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مورد نیاز جامعه و ارائه‌ی شاخص‌هایی برای افراد مومن و انقلابی در مسائل اقتصادی (اعم از موارد مرتبط با فرد یا اجتماع) تلاش می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش است که از نگاه آیات قرآن کریم، افراد مؤمن انقلابی چه شاخص‌هایی در حوزه‌ی مسائل مالی و اقتصادی دارند؟

۳. مرور پیشینه

بررسی منابع مختلف کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که به‌رغم تلاش تعدادی از پژوهشگران در تبیین بخش‌های مختلف مسائل اقتصادی از نگاه تعالیم اسلام و تبیین رویکردهای مختلف تفسیر اقتصادی قرآن (معلمی، ۱۳۹۴: ۱۰۸ - ۱۳۷)، پژوهش جدی مستقلی به بررسی شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی از نگاه قرآن کریم نپرداخته است، نکته‌ی قابل تأمل در پژوهش حاضر، بررسی رفتار موحدان به عنوان نیروهای مؤمن و انقلابی در حوزه‌ی مسائل اقتصادی و بیان شاخص‌هایی برای سنجش است که مورد پژوهش جدی واقع نشده است؛ البته در پژوهش‌های زیر معدودی از شاخص‌ها در مقطع زمانی خاص مورد اشاره واقع شده‌اند:

مقاله‌ی "شفافیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی (با پافشاری بر منابع قرآنی و روایی)" به قلم رحمت‌الله عبدالله زاده، مصعب عبداللهی، حسین غفار زاده در شماره ۶۸ نشریه اقتصاد اسلامی (۱۳۹۶) در بخش‌هایی به شاخص شفافیت قوانین اقتصادی در مقطع

زمانی صدر اسلام با نگاهی متفاوت اشاره دارد. مقاله "سیره‌ی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی" به قلم سعید سید حسین‌زاده یزدی و محمدجواد شریف‌زاده در شماره ۶۲ فصلنامه مذکور (۱۳۹۵) در مباحثی به شاخص "مدیریت بحران اقتصادی" در زمان پیامبر خاتم اشاره می‌کند. سید احسان خاندوزی و سعید سید حسین‌زاده در فصلنامه‌ی "آفاق امنیت" در مقاله‌ای با عنوان "راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی" (۱۳۹۴) از نگاه سه نفر از پیامبران (پیامبر اکرم، حضرت یوسف و حضرت شعیب علیهم‌السلام)، مدیریت دفاع اقتصادی در برابر تهدیدهای خارجی، داخلی و طبیعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین مقاله‌ی "نقش اقتصاد در ایجاد تعارض در مدینه و چگونگی برخورد پیامبر صلی‌الله علیه و آله با آن" به قلم حسین قاضی خانی در نشریه مطالعات تاریخی جهان اسلام، (۱۳۹۲) نیز به صورت جزئی به شاخص مبارزه با بحران اشاره دارد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نگاه پژوهش‌های فوق به تعداد معدودی از شاخص‌ها در محدوده‌ی خاصی از نیروهای انقلابی و بدون توجه به جنبه‌ی انقلابی‌گری است، لیکن پژوهش حاضر همه‌ی نیروهای مؤمن انقلابی مذکور در آیات قرآن را برای تبیین مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی واکاوی کرده است.

۴. چارچوب مفهومی

۴.۱. شاخص

شاخص در لغت به معنای برجسته، چشمگیر و ممتاز است (معین، ۱۳۷۵: ۲/۱۹۹۳؛ عمید، ۱۳۷۷: ۷۷۷) و در اصطلاح یک نشان اختصاصی است و به کمیت ثابتی گفته می‌شود که نشان‌دهنده‌ی عضوی از یک مجموعه است که در شرایط معین، دارای ثبات است و در شرایط دیگر ممکن است تغییر کند (دانشگر، ۱۳۸۱: ۴۲۰)، از این رو می‌توان گفت شاخص‌ها به منزله معیارهایی هستند که به وسیله آنها می‌توان کمیت، کیفیت و یا سقوط یک موضوع را اندازه‌گیری کرد. از آنجا که بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات نیازمند اطلاعات مناسب است، شاخص‌ها اولین مجموعه اطلاعات در مورد یک موضوع را به دست می‌دهند و در واقع اولین پل ارتباطی با موضوع مورد نظر است (صالحی امیری



و محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

شاخص‌ها در واقع ترجمان اهداف کلان و کیفی هستند که جهت‌گیری سیاست‌ها به سوی اهداف را دقیق‌تر می‌کنند. دقت در جهت‌گیری نیز باعث برنامه‌ریزی مناسب، تحقق اهداف مطلوب و عدم اتلاف منابع می‌گردد. (فراهانی فرد و کشاورز، ۱۳۹۳: ۱۱ و ۱۲)؛ بدین ترتیب مراد از شاخص در اینجا معیارهای کلی است که هر فردی در مسائل اقتصادی (اعم از شناخت یا رفتار) نشان می‌دهد و این ویژگی‌ها در مؤمنان انقلابی برجستگی خاصی دارد که در دیگر افراد کمتر یافت می‌شود.

۲.۴. اقتصاد

اقتصاد در لغت مشتق از قصد به معنی راه میانه و مستقیم، آهنگ چیزی کردن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵، ص ۹۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۷۲)، در برخی تعبیر روایی نبوی نیز به همین معنا در مقابل تَبذیر آمده است: *مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ*^۱ (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۳/۳۱۵؛ هلالی، ۱۴۰۵ ق: ۵۵، ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲/۱۱۶) و گاهی با تدبیر امور زندگی قرین گشته است: *إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَ حُسْنَ التَّدْبِيرِ وَ جَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْاِسْرَافَ*^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۳۱). زمانی که سخن از معیشت باشد اقتصاد به معنای عدم اسراف و تبذیر است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۵/۵۵) این واژه، در اصطلاح عبارت است از روش‌هایی که بشر برای استفاده از منابع محدود (زمین، کار، سرمایه، معلومات فنی) برای تولید کالا به کار می‌برد و ترتیبی است که برای توزیع این کارها میان افراد جامعه و مصرف آنها داده می‌شود تا همه‌ی افراد جامعه از منابع طبیعی، کار تولیدی و خدمات آن بهترین بهره را ببرند (کُهِف و میر معزی، ۱۳۸۵: ۱۶۲ - ۱۷۲؛ میر معزی و قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۲۴؛ فارسی، ۱۳۷۴: ۱۰۴؛ ایروانی، ۱۳۹۱: ۱۹ - ۲۲)؛ البته تعاریف دیگری هم از اقتصاد ارائه شده است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰: ۳۰ - ۳۷).

۱. هر کس در معیشتش صرفه جویی کند، خداوند به او روزی می‌دهد و هر کس تبذیر و اسراف کند، خداوند او را محروم می‌کند.

۲. وقتی خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد به او میانه روی و حسن تدبیر را الهام می‌کند و او را از سوء تدبیر و اسراف دور می‌گرداند

در نوشتار پیش رو تعریف اصطلاحی دقیق علمی فوق از اقتصاد مدنظر نیست؛ بلکه معنای عرفی اقتصاد در بین مردم ملاک است یعنی مسائلی مورد بحث قرار می‌گیرد که به‌گونه‌ای با مسائل و فعالیت‌های مالی مرتبط است. دلیل این انتخاب آن است که قرآن کریم کتاب علمی صرف نیست بلکه برخی مطالب مورد نیاز جامعه را به‌طور اجمال مطرح کرده است لذا در تطبیق آیات قرآن با نظریات علمی جانب احتیاط رعایت شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱/ ۳۱ - ۴۳) همان‌گونه که شهید صدر نیز چنین نظری را کرده است (صدر، ۱۳۸۷: ۴۴ و ۴۵)

۳.۴. نیروهای مؤمن انقلابی

"انقلاب" از ریشه‌ی "ق ل ب" به معنای دگرگونی و برگرداندن چیزی از سویی به‌سوی دیگر است؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۵ / ۱۷۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق: ۵ / ۴۳۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵ / ۱۷) لذا "انقلاب" در باب انفعال به معنای انصراف و بازگشتن خواهد بود (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۴۷). این واژه در قرآن به معنای لغوی به کار رفته و معنای اصطلاحی از آن مدنظر قرار نگرفته است. (نیکفر و باقری، ۱۳۹۵: ۱۱). در علوم سیاسی تعاریف اصطلاحی گوناگونی از انقلاب صورت گرفته (شجاعیان، ۱۳۸۲: ۲۳ - ۲۶؛ عیوضی، ۱۳۸۷: ۴۴ - ۴۷؛ محمدی، ۱۳۸۷: ۲۱ - ۲۶؛ مطهری، ۱۳۷۸: ۲۴ / ۱۴۴؛ بابا پور گل‌افشانی، ۱۳۹۰: ۱۷ - ۲۳) و بغرنجی، پیچیدگی، چندبعدی و چندلایه بودن، عدم اجماع و توافق بر یک تعریف مشخص و قابل قبول برای همه مکاتب، از جمله ویژگی‌های واژه انقلاب است (نخعی، ۱۳۹۰: ۱۳۱ - ۱۷۰)؛ به‌گونه‌ای که برخی آن‌چنان این مفهوم را توسعه داده‌اند که هر کشمکشی را می‌توان انقلاب نامید؛ حال آنکه تعداد دیگری از صاحب‌نظران مفهوم آن را چنان مضیق کرده‌اند که فقط بر تعداد محدودی از حوادث تاریخی می‌توان انقلاب نام نهاد (هادیان، ۱۳۹۱: ۲۰۵).

در مجموع می‌توان "انقلاب" را به معنای دگرگونی بنیادی در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۴۷ و همو، ۱۳۸۷: ۲۴ و ۲۵) مصداق چنین تعریفی از انقلاب در پژوهش حاضر "بعثت پیامبران" است که این تعبیر یا معادل عربی آن (الثوره) در آثار پژوهشگران معاصر با بسامد زیادی برای بعثت پیامبران به کار رفته است



(باکویی و داوری، ۱۳۹۶: ۳۵ و ۳۶). بررسی معنای لغوی بعثت، ارتباط بین "انقلاب" و "بعثت پیامبران" را تصدیق می‌کند، توضیح آنکه "بعثت" از ریشه "بعث" مشتق شده که بر "اثارة" و برانگیخته شدن دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۶۶) و در بحث "انقلاب" به معنای مصطلح نیز برانگیختن توده‌های مردم و بیدار کردن آنها برای مبارزه با ظلم و ستم مشهود است.

بر اساس این تعریف می‌توان گفت هر کسی که پیرو انبیاء باشد می‌تواند مصداق فرد "مؤمن انقلابی" باشد چه در زمان خود پیامبران باشد و چه سال‌ها پس از پیامبران متولد شده ولی از آنها پیروی کند. چنانکه بر اساس آیه *إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ*^۱ (آل عمران: ۶۸) فقط کسانی می‌توانند رابطه و پیوند خود را با مکتب ابراهیمی به عنوان یک سند افتخار ثبت کنند که از او پیروی کرده‌اند یا سال‌ها پس از حضرت ابراهیم علیه‌السلام به پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله ایمان آورده و از او تبعیت کرده و به مکتب و برنامه او وفادار باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۶۰۶ و ۶۰۷). امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نیز پس از پیروزی در جنگ جمل به یکی از یارانش فرمودند افرادی در لشکر ما حضور دارند که هنوز در صلب پدران و رحم مادران هستند که زمان آنها را نشان خواهد داد و ایمان با آنها قوی خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱/۴۹۷ و ۴۹۸): *لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ*^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲). روایات دیگری هم در همین مضمون در منابع شیعی و اهل تسنن نقل شده است (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۶۲؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ ق: ۸/۶۴۱ و ۷۳۳؛ نسائی، ۱۴۱۱ ق: ۵/۱۶۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۴۹ و ۲۵۰).

بنا بر آنچه ذکر شد مراد از شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی، برجستگی‌های خاص پیروان ادیان آسمانی مذکور در قرآن در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و مالی است.

۱. در حقیقت نزدیکترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است.

۲. بلکه با ما در این نبرد شریکند آنهایی که حضور ندارند، در صلب پدران و رحم مادران می‌باشند ولی با ما هم عقیده و آرمانند، به زودی متولد می‌شوند و دین و ایمان به وسیله آنها تقویت می‌شود.

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای استفاده کرده است که با توجه به رویکرد بحث، مهم‌ترین منبع در این زمینه آیات شریف قرآن کریم است، البته برای تکمیل مباحث به منابع تاریخی، سنن، روایی و تفسیری نیز مراجعه شده است. اطلاعات پس از گردآوری، طبقه‌بندی، تحلیل و ارزیابی شده است. استخراج مطالب متقن و مستحکم قرآن نیز بر اساس شیوه‌ی استنباطی صورت گرفته است که بر مبنای فرمایش امام علی علیه‌السلام صورت می‌گیرد: ذَلِك الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸). در این رویکرد مفسر یک موضوع را خارج از قرآن برگرفته و به سراغ قرآن می‌رود تا موضوع و نظرگاه قرآن را درباره آن موضوع کشف نماید، در این فرض مفسر می‌پرسد و قرآن پاسخ می‌دهد و هدف مفسر استخراج و به دست آوردن نظر قرآن درباره آن موضوع است (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۰). شهید صدر این شیوه را شیوه توحیدی و تطبیقی نام نهاده است (صدر، بی‌تا: ۷-۲۸) و محققان قرآنی آثار درخور توجهی در این باب عرضه کرده‌اند (بهروزی لک، ۱۳۹۲: ۴۷-۵۰)؛ بنابراین رویکرد پژوهش برای تبیین مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی جنبه‌ی استنباطی دارد.

۶. یافته‌های پژوهش

بررسی روشی آیات قرآن کریم و تحلیل سیره‌ی مؤمنان انقلابی قرآن بیانگر آن است که نیروهای مؤمن انقلابی به صورت تک بعدی به مسائل دینی نپرداخته‌اند، بلکه در همه‌ی جوانب مورد نیاز زندگی دنیوی فعالیت دارند، بخشی از این تلاش‌ها در حوزه اقتصاد متمرکز شده است که رفتارهای متعدد و مختلف اقتصادی در زندگی شخصی یا در ارتباط با عموم مردم در رفتار آنها نمایان شده است، کنکاش این فعالیت‌ها، شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی را به شرح زیر تبیین می‌کند:

۱. ۶. داشتن قوانین سالم اقتصادی

داشتن قوانین سالم اقتصادی زمینه‌ساز و ضرورت فعالیت‌های اقتصادی سالم است و هر اقتصادی برای حرکت در مسیر اهداف آرمانی حکومت توحیدی باید قوانین اقتصادی

۱. از قرآن بخواهید تا سخن گوید.



سالمی داشته باشد تا بتواند سعادت انسان را تأمین می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷/۱۶۱). برخی از این قوانین سالم اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی در آیات قرآن ذکر شده است، از جمله:

الف: داشتن سنجهی صحیح؛ توزین صحیح کالاها با ترازوی دقیق و سنجش مناسب فعالیت‌های کاری و خدماتی با ابزارهای مناسب بیانگر قوانین سالم اقتصادی در جامعه است، ترازو ابزار سنجش صحیح در فعالیت‌های اقتصادی و در واقع نمادی برای اقتصاد سالم و قوانین سالم اقتصادی است که در سیره‌ی حضرت شعیب علیه‌السلام بر تمام گذاشتن پیمانانه و وزن عادلانه تأکید شده است: *وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ*^۱ (هود: ۸۵) مکیال از ریشه "ک ی ل" به معنای پیمانانه است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۵/۴۰۶) که در پیمانانه کردن غلات و حبوباتی چون گندم به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۱/۶۰۴) و میزان از ریشه "و ز ن" به معنای سنجش و اندازه‌گیری (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۷/۳۸۶) و در لغت معاصر به معنای ترازو به کار می‌رود (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۷/۲۰۸). مکیال و میزان اگرچه هر دو بیانگر سنجش هستند ولی برای توصیف اهمیت مطلب و اهتمام به آن در کنار هم به طور مکرر آمده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۰/۶۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۸/۳۸۵) تا بر این نکته تأکید شود که انحراف در مسائل اقتصادی نقش مهمی در بقیه فسادها دارد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۴/۳۶۳).

سنجهی نادرست باعث خسارت مردم می‌شود که در سوره شعراء برای رعایت حقوق مردم بار دیگر از زبان حضرت شعیب علیه‌السلام به مردم مدین مطرح شده است: *أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ*^۲ (شعراء: ۱۸۱ - ۱۸۳). در این آیه مراد از قسطاس، ترازوی زبانه‌دار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۷/۳۷۷) که وزن را دقیق نشان می‌دهد و بیانگر نهایت دقت در سنجش کالاهاست. در این آیه دستور عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف پیامبران، تنها برای مؤمنان نیست بلکه شامل همه‌ی مردم می‌شود

۱. و ای قوم من پیمانانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر بردارید.
۲. پیمانانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید؛ و با ترازوی درست بسنجید و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بردارید.

(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۵/۱۱۵ و ۱۱۶).

ب: امانت‌داری؛ امانت‌داری یکی از فضایل اخلاقی است که سرمایه‌ی اصلی جامعه‌ی انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش و معاد آنها است، درحالی‌که خیانت همچون آتش‌سوزانی پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است. از مصادیق امانت می‌توان اموال و ثروت‌های مردم را معرفی کرد که مردم مأمور به حفظ آنها هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳/۱۷۳ و ۱۷۴). امانت‌داری در سیره‌ی برخی مؤمنان انقلابی در آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته است از جمله در سیره‌ی حضرت نوح علیه‌السلام دیده می‌شود: *إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ*^۱ (شعراء: ۱۰۷) که می‌تواند مربوط به وحی و رسالت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۳۰۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵/۲۹۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۹/۵۶) یا اموال مردم باشد (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۱۹/۱۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴/۵۲۰) این تعبیر نشانگر سابقه‌ی ممتد امانت آن حضرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۸۱).

امانت‌داری حضرت موسی علیه‌السلام نیز در همان برخورد اول از سوی دختران شعیب علیه‌السلام مورد توجه قرار گرفته است: *قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ*^۲ (قصص: ۲۶). سیره حضرت موسی علیه‌السلام در امانت‌داری در رفتار برخی از اهل کتاب، زمان پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله مانند عبدالله بن سلام (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۷۷۷؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۱/۱۱۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳/۹۵) تجلی یافته که قرآن از آن به نیکی یاد می‌کند: *وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ*^۳ (آل‌عمران: ۷۵)؛ جالب این است که در ذیل آیه روایتی از پیامبر نقل شده است مبنی بر اینکه امانت از رسوم جاهلی است و پیامبر نیز آن را تأیید کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۳/۲۲۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲/۶۸۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲/۷۴)؛ خود آن حضرت نیز قبل از بعثت به "محمد امین" ملقب بود (کاتب واقدی، ۱۴۱۸: ۱/۹۷؛ ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۱۷۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲/۲۸۶) و سیره رفتاری‌اش بیانگر

۱. من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم.

۲. یکی از آن دو [دختر] گفت: ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.

۳. و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری آن را به تو برگرداند.



امانت‌داری حتی در جزئی‌ترین مسائل است (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۴ / ۶۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۲ / ۵۲۸)

ج: قبول مالکیت مردم بر اموال خود و نهی از دست‌درازی به اموال دیگران (نساء: ۳۲ و ۳۳)، ارائه‌ی دستورات کلی تجارت مانند شرط رضایت طرفین (نساء: ۲۹)، وفای به عهد و عمل به وعده‌ها (مائده: ۱ و مؤمنون: ۸) از دیگر موارد مربوط به اقتصاد سالم هستند که در دستورات قرآن به پیروان مؤمن انقلابی پیامبر مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در برخی موارد هم نکات تفصیلی دیگری در گفتار انقلابیون پیرو پیامبر همچون امام علی علیه‌السلام (در دوران خلافت) مورد اشاره واقع شده است از قبیل توجه به نظر فعالان اقتصادی، تجار و صاحبان صنایع (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۰) و بخشش‌های مالیاتی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۶).

البته مهم‌تر از داشتن قوانین سالم، اجرای آنها از سوی مؤمنان انقلابی است؛ لذا آیات قرآن با صراحت بر اجرای قوانینی مانند قسط و عدل - حتی علیه نزدیک‌ترین افراد خانواده - نیز تأکید می‌کند (نساء: ۱۳۵)، شأن نزول برخی آیات مانند آیه ۶۵ سوره نساء بیانگر رضایت قلبی نیروهای مؤمن انقلابی از قضاوت رهبری در مسائل اقتصادی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰۶/۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰ / ۱۲۷؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۵ / ۱۰۰).

۶.۲. شفافیت قوانین اقتصادی (با بیان صریح اصول و قوانین اقتصادی)

برای داشتن فعالیت صحیح اقتصادی علاوه داشتن قوانین صحیح، شفافیت آنها نیز لازم است. شفافیت قوانین باعث دسترسی صحیح فعالان اقتصادی به موارد جواز و نهی تعاملات اقتصادی شده و از توزیع ناعادلانه ثروت، گسترش تبعیض و برخی رانت‌های اقتصادی جلوگیری می‌شود، همچنین با اطلاع‌رسانی قبلی و به‌موقع منهیات، مجازات مفسدان اقتصادی با دلیل و برهان اقامه شده و عذر عدم اطلاع پذیرفته نمی‌شود، شفافیت قوانین اقتصادی با بیان صریح آنها از سوی نیروهای مؤمن انقلابی صورت گرفته است از جمله:

الف: شفافیت و صراحت در نکوهش کم‌فروشی؛ حضرت شعیب علیه‌السلام برای جلوگیری از خسارت دیگران، با صراحت از کم‌فروشی نهی کرده و داشتن ترازوی صحیح

را لازم می‌شمارد تا جلوی فساد گرفته شود: **أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ**^۱ (شعراء: ۱۸۱ - ۱۸۳). در آیات دیگر نیز مجازات اخروی کم‌فروشی مطرح شده است (مطففین: ۱ - ۱۷) که مصادیق متعددی در انواع مبیع و کالا یا انجام تعهدات کاری و خدماتی دارد (محمدی راد و ممقانی، ۱۳۹۷: ۲۰۷ - ۲۱۳).

ب: صراحت در بیان حرمت ربا؛ تحریم معاملات ربوی به صراحت در آیات قرآن مطرح شده (بقره: ۲۷۵ - ۲۸۰) و حتی تعبیر "جنگ با خدا و رسول" برای افرادی ذکر شده است که از معاملات ربوی دست بر نمی‌دارند: **فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ**^۲ (بقره: ۲۷۹). از این رو معاملات ربوی در کتاب‌های فقهی به تفصیل بحث شده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۷۴۷/۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۳/۲۷۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۷/۳۷۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸/۱۱۷).

ج: بیان صریح مجازات دنیوی مفسدان؛ قرآن کریم علاوه بر اختصاص مجازات اخروی برای مفسدان و هنجارشکنان اقتصادی از جمله در مورد تصرف غصبی اموال یتیمان (نساء: ۱۰)، رباخواری (نساء: ۱۶۱؛ آل عمران ۱۳۰ و ۱۳۱)، رشوه‌خواری (مائده: ۴۱) و اکل مال باطل (نساء: ۲۹ و ۳۰)؛ برخی مجازات دنیوی نیز مطرح کرده است؛ مثلاً قطع دست دزد به صراحت آمده است: **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**^۳ (مائده: ۳۸) البته با شرایطی که روایات تفصیل می‌کند (جصاص، ۱۴۰۵ ق: ۴/۶۱ - ۸۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۸/۲۴۱ - ۳۰۵).

همچنین درباره کیفر فساد در زمین، بر حکم اعدام و بریدن دست و پا یا تبعید تصریح شده است: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**^۴ (مائده: ۳۳)؛ از جمله مصادیق محاربه و فساد در

۱. پیمانہ را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید؛ و با ترازوی درست بسنجید و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید.
 ۲. و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید.
 ۳. و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید و خداوند توانا و حکیم است.
 ۴. سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته



زمین، با توجه به شأن نزول آیات (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۶/۱۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۹۱) تجاوز به جان یا اموال مردم با تهدید اسلحه است چه این راهزنی در بیرون شهرها باشد یا داخل شهرها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۳۶۰)، قابل توجه است که مراد از محاربه با پیامبر و افساد در زمین، ایجاد خلل امنیتی و راهزنی به طور مطلق است و فقط منحصر در جمع مسلمانان نیست که سیره پیامبر نیز بر آن دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۵/۳۲۶). نمونه‌های دیگری نیز در شفافیت اقتصاد اسلامی می‌توان مطرح کرد (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸، ۴۶؛ صالحی و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۳۸).

۳.۶. تلاش سالم اقتصادی

بررسی فعالیت‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی نشان می‌دهد که آنها دارای فعالیت اقتصادی سالم متناسب با شرایط جامعه بودند، این تلاش به معنای آن است که از شیوه‌های نامتعارف اقتصادی نظیر بخت‌آزمایی و قمار برای کسب اموال و ثروت استفاده نکرده‌اند؛ قرآن در این مورد از تعبیر "أزلام" استفاده می‌کند، أزلام از ریشه‌ی "زل م" به معنای تیر بدون پر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۳۷۰) که با آن در جاهلیت قرعه‌کشی می‌کردند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۲/۲۷۰) و اسلام آن را تحریم کرد (مائده: ۳ و ۹۰) تا مردم به فعالیت سالم اقتصادی بپردازند. بخت‌آزمایی با "أزلام" بدین شکل انجام می‌شد که ده نفر با هم شرط‌بندی می‌کردند و حیوانی را خریداری و ذبح نموده سپس با ده چوبه تیر که روی هفت عدد از آنها عنوان "برنده" و سه عدد عنوان "بازنده" ثبت شده بود قرعه‌کشی می‌کردند، هفت چوبه‌ی برنده به نام هر کس می‌افتاد سهمی از گوشت برمی‌داشت و چیزی در برابر آن نمی‌پرداخت، ولی آن سه نفر بازنده هر کدام یک‌سوم قیمت حیوان را می‌پرداختند، بدون اینکه سهمی از گوشت داشته باشند؛ اسلام خوردن این گوشت‌ها را تحریم کرد، نه به خاطر اینکه اصل گوشت حرام باشد؛ بلکه به خاطر اینکه جنبه قمار و بخت‌آزمایی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۲۶۰ و ۲۶۱).

قرآن بخشی از فعالیت سالم اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی را ذکر کرده است، از جمله از چوپانی حضرت موسی علیه‌السلام برای حضرت شعیب سخن گفته می‌فرماید:

شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرْنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشْتَقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ^۱ (قصص: ۲۷).
حضرت موسی علیه‌السلام نیز از این شبانی در شب بعثتش سخن به میان آورده و می‌گوید:
قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى^۲ (طه: ۱۸).

در آیات دیگری از زره‌سازی حضرت هود علیه‌السلام (انبیاء: ۸۰) به عنوان یک صنعت برای دفاع در برابر دشمن (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۳۱۳/۱۴) و همچنین از قدرت جسمانی طالوت سخن گفته است (بقره: ۲۴۷) طبق روایات طالوت شغل سقایی یا دباغی داشت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۶۱۲؛ طبری، ۱۴۱۲ ق: ۲/۳۷۸) برخی نیز وی را چوپان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۲۳۱؛ قرائتی، ۱۳۸۹: ۱/۳۸۵) یا کشاورز (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م: ۲/۴۶۷) دانسته‌اند، البته در قرآن از فعالیت‌های دیگر اقتصادی نظیر صیادی، غواصی، کشتیرانی، ذوب فلزات، خانه‌سازی و کشاورزی نیز یاد شده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۴/۱۳۵). چوپانی پیامبر اسلام قبل از رسالت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ۱/۱۶۷؛ همو، ۱۳۹۸ ق: ۴/۲۹) و تجارت آن حضرت (بکری، ۱۴۱۱ ق: ۲/۲۴۴) با اهداف متعدد اقتصادی و غیراقتصادی (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۸۳ - ۱۸۵) نیز از تلاش‌های سالم اقتصادی محسوب می‌گردد. پس از بعثت نیز صدور دستورات اقتصاد مشارکتی نظیر مزارعه (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۳/۲۴۴ - ۲۵۳)، مضاربه (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۵/۱۹ - ۳۰)، مساقات (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۰/۱۷۱ - ۱۷۴) و... بخش‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی رونق گرفته است؛ همچنانکه از کشاورزی پیامبر و امیر مؤمنان (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۹/۵۳۰) و بقیه ائمه علیهم‌السلام (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۱۱۰ - ۱۳۶) نیز سخن به میان آمده است.

نکته قابل تأمل در تلاش‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی، فرهنگ‌آفرینی برای کار و تلاش است که با تلاش عملی و تشویق‌های گوناگون سعی شده است فرهنگ تلاش در میان موحدان ایجاد شود؛ عبادت محسوب شدن کسب حلال (کلینی، ۱۴۲۹ ق:

۱. [شعیب] گفت من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می‌کنی] به نکاح تو در آورم به این [شرط] که هشت‌سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است و نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم و مرا ان شاء الله از درستکاران خواهی یافت.

۲. گفت این عصای من است بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می‌تکانم و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی‌آید.



۹/ ۵۶۷ - ۵۶۹) و استفاده از تعبیر جهاد با مال (صف: ۱۱) بخشی از این فرهنگ‌سازی است؛ حتی در روایتی نبوی به نهایت استفاده از فرصت‌ها در این راه تأکید شده است: *إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرَسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا*^۱ (بخاری، ۱۴۰۶ ق: ۱۰۶). پرداخت به موقع مزد کارگر (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۰/۴۶۳) نکوهش تنبلی (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۹/۵۶۰)، نهی از تکدی‌گری (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۹۳/۱۴۹ - ۱۶۰) و تشویق به وقف به عنوان فعالیت اقتصادی دائمی (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۳/۴۴۴ - ۴۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۰/۱۸۱ - ۱۸۶) از جمله این فرهنگ‌سازی‌ها است.

۶.۴. استقلال اقتصادی

برخی از شاخص‌های اقتصادی به صورت ایجابی قابل اثبات هستند؛ یعنی با ذکر نمونه‌هایی می‌توان ضرورت آن را اثبات کرد؛ در مقابل برخی شاخص‌ها نیز به صورت سلبی قابل اثبات هستند بدین صورت که عدم داده مشخصی به عنوان اطلاعات محسوب می‌شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۲۱)؛ استقلال اقتصادی در حوزه سلبی جای می‌گیرد؛ بدین صورت که با بررسی فعالیت‌های اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی موردی برای وابستگی به مراکز غیرتوحیدی یافت نمی‌شود؛ مؤمنان انقلابی در زندگی روزمره خود و برای امرارمعاش به گونه‌ای فعالیت کرده‌اند که استقلال خود را حفظ کنند و برای تأمین معاش و امور مورد نیاز جامعه به بیگانگان دست دراز نکنند، چراکه در صورت وابستگی نمی‌توانند به وظایف خود در مقابل مردم و مبارزه با مستکبران اقدام کنند؛ لذا در تاریخ هیچ‌یک از انبیاء نمی‌توان مطلبی را دریافت کرد که یکی از آنها وابسته به مراکز مالی غیرتوحیدی باشد؛ بلکه مردمی بودن آنها و عدم وابستگی به مراکز قدرت باعث اعتراض مشرکان نیز گردیده است (زخرف: ۳۱؛ فرقان: ۷). بی‌شک این به معنای عدم تعاملات اقتصادی با رعایت حقوق موحدان نیست؛ بلکه به معنای آن است که تعاملات اقتصادی به اندازه‌ای نباشد که دشمن با ابزار اقتصاد، به امت اسلامی ضربه زده و آنها را فلج کند یا به تعظیم در برابر کفار مجبور نماید.

۱. اگر در حالی قیامت شود که در دست یکی از شما نهالی باشد، اگر قبل از قیامت بتواند آن را بکارد، باید بکارد.

البته از آیه وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^۱ (نساء: ۱۴۱) می‌توان استقلال در همه‌ی زمینه‌ها را اثبات کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/ ۱۷۵) بدین صورت که مؤمنان، حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و سلطه‌پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است (قرائتی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۹۱) که از آن به قاعده "نفی سبیل" یاد شده و فروع آن بحث می‌شود (طباطبایی قمی، ۱۳۸۱: ۱۴۰ - ۱۴۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۴ ق: ۶۱ - ۶۸؛ بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۸۵ - ۲۰۷؛ فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۳۳ - ۲۵۶). خاطر نشان می‌شود برخی از روایات بیانگر استقلال اقتصادی هستند؛ ترجیح پوشش لباس و صلهدار بر لباس اخذ شده از دیگران (ابن حنبل، بی‌تا: ۳ / ۲۴۴)؛ نهی از پوشیدن لباس دشمنان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ۲/ ۲۳؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۱۰) نمونه‌هایی از شواهد بر استقلال اقتصادی هستند. نهی از قرض گرفتن (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۹۳) به‌رغم تأکید بر فضیلت قرض الحسنه حتی بر صدقه (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۷/ ۲۸۹) می‌تواند تأکیدی بر استقلال اقتصادی باشد؛ زیرا در قرض دادن فرد مستقل است و قرض دادن بیانگر توان مالی و استقلال وی است، ولی قرض گرفتن می‌تواند نشان ضعف اقتصادی و وابستگی به طرف مقابل باشد. در برخی روایات نیز راه‌هایی مانند تشویق به تجارت برای بی‌نیازی و استقلال اقتصادی معرفی شده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱۰/ ۱۲؛ مطهری، ۱۳۸۳: ۲۰/ ۴۰۵ - ۴۱۱).

۶.۵. مدیریت بحران اقتصادی

در برخی شرایط خاص، اقتصاد نیروهای مؤمن انقلابی با مشکل مواجه شده و بحرانی می‌شود؛ بحرانی شدن اقتصاد هم برای افراد مضر است و هم باعث مشکلاتی برای جامعه می‌گردد؛ لذا باید با پیش‌بینی تنش‌ها و درمان آسیب‌ها، بحران اقتصادی مدیریت شود؛ بررسی سیره مؤمنان انقلابی بیانگر پیش‌بینی و درمان است؛ البته اقدام به‌موقع و زمان‌شناسی در این مسئله باعث دوری از اشتباهات می‌شود: الْعَالَمُ بَرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَابِسُ^۲ (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱/ ۶۱). مصادیقی از تلاش‌های مؤمنان انقلابی در مدیریت بحران اقتصادی را می‌توان چنین مطرح کرد:

۱. خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.
۲. هر کس که به دوران خود آگاه باشد اشتباهات فراوان به او هجوم نمی‌آورد.



الف: حضرت یوسف علیه السلام در شرایط بحرانی باعث نجات کشوری از قحطی گردید، آن حضرت در کنار همه ابزارهای رایج آن روز، به باقی گذاشتن گندم در خوشه‌ها اشاره کرد تا ماندگاری گندم را زیاد کند: قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابَّاً فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلاً مِّمَّا تَأْكُلُونَ^۱ (یوسف: ۴۷). بدین ترتیب فعالیت‌های مدیریتی متعددی نشان داد (خاندوزی و سید حسین زاده، ۱۳۹۴: ص ۹۹ - ۱۰۶).

ب: حضرت محمد صلی الله علیه و آله در چندین مورد با بحران‌های اقتصادی روبرو شدند که آنها را مدیریت کردند؛ در شعب ابی طالب در محاصره‌ی اقتصادی قرار گرفتند (ابن هشام حمیری، بی تا: ۱ / ۳۵۱ - ۳۵۴) که با کمک‌های مسلمانان غیر محصور مانند غیر بنی هاشم و حضرت خدیجه علیها السلام، مایحتاج حداقلی برای بنی هاشم تهیه و از بحران سه ساله عبور کردند (سیدحسین زاده، ۱۳۹۵: ۹ - ۱۲).

آن حضرت در غزوه‌ی احزاب نیز با تحریم همه‌جانبه‌ی مشرکان و احزاب روبرو بودند که با پیش‌بینی تهدید، مشورت و تصمیم‌گیری جمعی، ارتقای انگیزه و روحیه‌ی کار و تلاش و جهاد در راه خدا، تقسیم کار، استفاده از ابزار اقتصادی برای تطمیع دشمنان، رصد و مراقبت نقاط آسیب‌پذیر داخلی و تأکید بر لزوم پیروی از فرمان‌های رهبر، بحران را مدیریت کردند (خاندوزی و سید حسین زاده، ۱۳۹۴: ۹۴ - ۹۹؛ سیدحسین زاده، ۱۳۹۵: ۱۷ - ۲۳).

همچنین تعدادی از منافقان مدینه به دشمنان گرای تحریم اقتصادی دادند تا مردم از اسلام روی گردانند که قرآن تهدید آنها را آشکار کرد: هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ^۲ (منافقون: ۷) تا بحران رویگردانی از انقلاب نبوی با حربه اقتصادی با شکست مواجه شود.

تشویق و تأیید تلاش مردم انقلابی مدینه برای کمک به مهاجران مکه و رهاسازی از فشار مالی مشرکان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴ / ۳۲۸) به‌رغم نیازی که داشتند (حشر: ۹) نمونه‌ی دیگر مدیریت بحران است؛ البته گاهی تعارض‌ها به صورت تنش‌های اقتصادی

۱. گفت هفت سال پی در پی می‌کارید و آنچه را درویدید جز اندکی را که می‌خورید در خوشه‌اش واگذارید.
۲. آنان کسانی‌اند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند

نیز در مدینه روی می‌داد که پیامبر به مقابله با آنها نیز پرداخته است (قاضی خانی، ۱۳۹۲: ۱۰۲ - ۱۰۸).

۶.۶. کمک اقتصادی به هم نوعان

برخی افراد جامعه بنا به دلایلی (مانند پیری، کهولت، بیماری و...) نمی‌توانند تمام نیازهای مالی خود را برآورده کنند؛ لذا نیازمند کمک هستند؛ نیروهای مؤمن انقلابی بخشی از مال و سرمایه‌ی خود را به مصرف نیازمندان می‌رسانند و از آنها دستگیری می‌کنند. کمک‌های مالی و پناه انصار مدینه در کمک به مهاجران مکه (حشر: ۹)، کمک حضرت موسی علیه‌السلام به دختران شعیب در آب دادن به گوسفندان (قصص: ۲۳) اطعام طعام به‌رغم نیاز به مسکین و یتیم و اسیر از سوی اهل بیت علیهم‌السلام (انسان: ۸) به اذعان شیعه و سنی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۱۱ و ۶۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۳۰ / ۷۴۶) نمونه‌هایی از کمک‌های اقتصادی به هم‌نوعان است. قابل توجه است که این کمک‌ها به اعتقاد افراد مستحق ارتباط ندارد، تعبیر "اسیر" در آیه ۸ سوره انسان بیانگر اعتقاد شرک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵ / ۳۵۳)؛ با این حال فقط برای رضای خدا (انسان: ۹) مورد اطعام واقع شد. البته اسلام برخی کمک‌های اقتصادی را با دستور زکات (توبه: ۶۰) و خمس (انفال: ۴۱) و انفاق‌های مستحبی (آل‌عمران: ۱۳۳ و ۱۳۴ و...) و دیگر مالیات‌های اختصاصی نظیر جزیه، خراج و انفال ساماندهی کرده است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰: ۳۵۳ - ۳۹۶؛ تسخیری، ۱۳۹۰: ۳۴۷ - ۳۵۴).

۶.۷. مبارزه با اقتصاد ناسالم، فساد و ناهنجاری‌های اقتصادی

بروز برخی آسیب‌ها در اقتصاد یا رفتار اقتصادی مردم، اقتصاد سالم را تهدید کرده و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند، آسیب‌ها گاهی باعث فساد در اقتصاد می‌شود؛ از آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء برداشت می‌شود که وجود روابط ناصحیح اقتصادی میان مردم، انتحار شخصی را افزایش خواهد داد و همچنین ممکن است به انتحار اجتماعی و یا انقلاب منجر گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳ / ۳۵۷) در چنین شرایطی وظیفه‌ی نیروهای مؤمن انقلابی مبارزه با اقتصاد ناسالم است که نمونه‌های از آن در قرآن به شرح زیر آمده است؛
الف: حضرت شعیب علیه‌السلام با کم‌فروشی و فساد در معاملات جامعه خود مبارزه



کرد که به صورت عادت در آمده بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۸ / ۱۸۷): وَ إِلَىٰ مَدِينَةٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۱ (اعراف: ۸۵)؛ طبق این آیه می‌توان گفت پیامبران الهی در کنار امور اعتقادی و اخلاقی مردم، به امور اقتصادی آنان نیز توجه می‌کردند و با فساد اقتصادی مبارزه و وضع جامعه را اصلاح می‌کردند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۹ / ۲۸۵)

ب: مبارزه حضرت موسی علیه‌السلام با ثروت اندوزی قارون مصداق دیگر مبارزه نیروهای مؤمن انقلابی با فساد اقتصادی است؛ قارون از بستگان حضرت موسی علیه‌السلام بود و از نظر اطلاعات و آگاهی از تورات، معلومات قابل ملاحظه‌ای داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۱۵۲)؛ مبارزه با چنین فسادی دشوارتر است زیرا در خویشاوندان و نزدیکان رهبر جامعه اتفاق افتاده است و احتمال استفاده‌ی مفسد از موقعیت خویشاوندی برای فرار از مجازات وجود دارد. بی‌توجهی قارون به معاد و فراموشی روز جزا تا جایی پیش رفت که تعدادی از مؤمنان وی را نصیحت کردند که ضمن استفاده از نعمت‌های دنیوی، با انفاق و صرف مال در رضای الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶ / ۷۶) به فکر سرای آخرت باشد (قصص: ۷۶ و ۷۷).

ج: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌با توجه به فرهنگ نامناسب حاکم بر جامعه‌ی عرب عصر نزول قرآن کریم (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۴۵ - ۵۴) اقداماتی در مقابله با فسادهای اقتصادی انجام داده است. با ورود پیامبر به مدینه و تشکیل حکومت مبارزه با رباخواری شروع می‌شود (بقره: ۲۷۵ و ۲۷۶)؛ برای تقویت پایه‌های حکومت ضرورت چنین مبارزه‌ای مشهود است؛ برخی محققان بین امکان وقوع انقلاب و رباخواری را دور از ذهن نمی‌دانند و معتقدند ربا می‌تواند زمینه انقلاب‌ها را فراهم کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ۵ / ۱۲۹) ربا از سویی می‌تواند سبب پیدایش شکاف طبقاتی و شکل‌گیری دو طبقه سودپرست و ستمگر و طبقه ستم‌دیده و رنجور شود که این صف‌بندی اجتماعی خود

۱. و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمان‌ه و ترازو را تمام نهید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است

سرآغاز ستیزه و انقلاب می‌گردد، (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۵۳-۲۵۲) از سویی دیگر از آنجا که شخص رباخوار به استثمار طبقات زیردست می‌پردازد، غارت دسترنج زیردستان سبب دشمنی آنان شده و به انقلاب‌ها و انفجارهای اجتماعی منجر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۶۶) رباخواری باعث انباشت ثروت در یک طبقه‌ی خاص می‌گردد و تمرکز ثروت در یک طبقه‌ی اجتماع، سبب بروز اختلاف‌ها گردیده و نهایتاً جامعه دستخوش انقلاب می‌گردد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۱ / ۱۴۱ و ۲ / ۲۱۰) لذا با توجه به نارسایی‌های متعدد نظام بهره (ایروانی، ۱۳۹۱: ۲۳۶ - ۲۷۴؛ سبحانی، ۱۳۹۰: ۱۶۳ - ۱۷۴) قرآن کریم، شدیدترین الفاظ و تهدید را درباره‌ی ربا به‌کاربرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۴۰۸ و ۴۰۹).

مبارزه‌ی پیامبر با برخی انحرافات اندیشه‌های اقتصادی از دیگر مصادیق مبارزه با فساد اقتصادی است؛ در عصر جاهلیت استفاده از برخی حیوانات اهلی ممنوع بود: مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا كَنَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ^۱ (مائده: ۱۰۳) "بحیره"، "سائبه"، "وصيله" و "حام" از جمله حیواناتی بودند که خدمات فراوان و مکرری به صاحبان خود داشتند و به عنوان نوعی قدرشناسی پس از مدتی مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۰۳ و ۱۰۴) و اسلام با چنین اندیشه‌ای مبارزه کرد.

از دیگر اقدامات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌در مبارزه با فساد اقتصادی می‌توان به مبارزه با احتکار (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۷ / ۱۶۱ و ۱۶۲)؛ مبارزه با رشوه‌خواری (بقره: ۱۸۸)، مقابله با استهزای افراد نادار (توبه: ۷۹) و ذکر آسیب‌های کلی مسائل اقتصادی مانند کم‌فروشی یا معاملات ربوی (کراچکی، ۱۳۹۴ ق: ۶۶) اشاره کرد، البته در عصر حاضر با توجه به علل فسادهای مالی، برخی راهکارهای تفصیلی دیگر قابل ارائه است (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۲۷۵ - ۲۸۲).

۶.۸. همپایگی اقتصادی با مردم و مبارزه با اشرافی‌گری

سطح زندگی نیروهای مؤمن انقلابی همچون عموم مردم است، لذا رفتارهای آنها

۱. خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل] بحیره و سائبه و وصيله و حام قرار نداده است ولی کسانی که کفر ورزیدند بر خدا دروغ می‌بندند و بیشترشان تعقل نمی‌کنند.



با رفتار عموم مردم تفاوت چندانی نداشت، به بیان دیگر نفی اشرافیت و ساده‌زیستی سیره‌ی همه‌ی آنان بود: وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ...^۱ (فرقان: ۲۰) "ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند...". البته برخی مفسران از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که به معنای بشر بودن پیامبران است و بیانگر این نکته که پیامبران از جنس ملائکه نیستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۱۹۳ و ۱۹۴) با این حال انتخاب پیامبران از جنس بشر آن هم از انسان‌هایی که از میان توده‌های جمعیت محروم برمی‌خیزند، خود آزمایش بزرگی است، چرا که گروهی ابا دارند زیر بار هم‌نوع خود بروند، به خصوص کسی که از نظر امکانات مادی در سطح پایینی قرار داشته باشد و آنها از این نظر در سطح بالا و یا سن و سالشان بیشتر و در جامعه سرشناس‌تر باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۰/۱۵)

چگونگی پوشش ائمه علیهم‌السلام نشانه‌ی دیگر برای مردمی بودن نیروهای مؤمن انقلابی از دید اقتصادی است؛ از جمله امام علی علیه‌السلام با توجه به ضعف اقتصادی مردم از لباس‌های خشن استفاده می‌کردند و ائمه‌ی دیگر با توجه به بهبود نسبی وضع مردم، از لباس‌های بهتری نیز استفاده کرده‌اند؛ در روایتی صحیح (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۴/۳۴۸) علت این تفاوت را از امام صادق علیه‌السلام جویا شدند و امام صادق علیه‌السلام اینچنین پاسخ فرمودند: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَلَيْهِ وَ لَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شُهِرَ بِهِ، فَخَيْرٌ لِبَاسِ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسِ أَهْلِهِ^۲ (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۲/۳۵۸ و ۳۵۹)

مبارزه با اشرافی‌گری بخش دیگری از همپایگی اقتصادی نیروهای مؤمن انقلابی است؛ قرآن کریم معیار برتری را تقوا قرار داده و وابستگی‌های مادی یا معنوی موهوم را لغو کرد (حجرات: ۱۳)؛ پیامبران الهی نیز اشراف‌زاده نبوده و به دلیل شرافت قبیلگی یا امتیازات خاص مادی به مقام نبوت نرسیدند، لذا مورد هجوم دشمنان واقع شدند (زخرف: ۳۱). برخی از حکومت‌هایی که پیامبران موظف به هدایت آنها شدند دارای

۱. و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند.

۲. همانا علی بن ابی طالب علیه‌السلام آن لباس را در زمانی می‌پوشد که بر او زشت نمی‌شمردند و اگر امروز همانند آن جامه را بپوشند انگشت‌نما شوند، بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن زمان است.

ساختار اشرافی بودند، از جمله درباره‌ی فرعون چنین مسئله‌ای دیده می‌شود: **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ**^۱ (زخرف: ۴۶). کلمه "ملاً" در قرآن، معمولاً به طبقه‌ی اشراف و ثروتمندان اطلاق می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۸/۲۱). نشانه‌های اشرافیت در دوران فرعون را می‌توان از اعتراض وی به حضرت موسی برداشت کرد که چرا موسی دستبند طلا ندارد: **فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ**^۲ (زخرف: ۵۳). مبارزه‌ی معاندان با پیامبران نیز از سوی همین اشراف آغاز و رهبری می‌شود، نظیر مبارزه سران قوم شعیب با آن حضرت: **وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ**^۳ (اعراف: ۹۰). ساده‌زیستی پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۶ و ۲۷) در موارد متعددی همچون از جمله معاشرت و رفتار با مردم، مسافرت، پوشش و مسکن در روایات متعددی ذکر شده است (طباطبایی، ۱۴۲۲ ق: ۱۱۷-۱۸۶).

۶.۹. خدمات‌محوری در فعالیت‌های اقتصادی

خدمات‌محوری در فعالیت‌های اقتصادی؛ ارتباط همه‌ی تلاش‌های اقتصادی سالم با دستورات توحیدی خداوند در نهضت‌های الهی به عنوان یک اصل مطرح است که خداوند به آن توصیه کرده است به‌گونه‌ای که حتی بخشش اموال یعنی انفاق نیز باید به دستور الهی باشد نه به خاطر مردم: **وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا**^۴ (نساء: ۳۸) چنانکه حضرت موسی علیه‌السلام در کمک به دختران شعیب علیه‌السلام فقط چشم به خدا داشت که عرض کرد: **رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ**^۵ (قصص: ۲۴).

یکی از فرمان‌های چهارگانه‌ای که حضرت علی علیه‌السلام در مراسم حج سال نهم هجرت، به مردم مکه ابلاغ کرد این بود که از سال آینده، هیچ یک از مشرکان حق ورود

۱. و همانا موسی را با نشانه‌های خویش به سوی فرعون و سران [قوم] او روانه کردیم پس گفت من فرستاده پروردگار جهانیانم.
 ۲. پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده؟
 ۳. و سران قومش که کافر بودند گفتند اگر از شعیب پیروی کنید در این صورت قطعاً زیانکارید (۹۰)
 ۴. و کسانی که اموالشان را برای نشان‌دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.
 ۵. پروردگارا من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم.



به مسجد الحرام و طواف خانه‌ی کعبه را ندارد، در این میان برخی از افراد کوته‌بین اظهار کردند اگر پای مشرکان از مسجد الحرام قطع شود، کسب و کار و تجارت از رونق افتاده و منجر به فقر خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/ ۳۴۷ - ۳۴۹) خداوند، فضل پروردگار را به این افراد یادآور می‌شود تا با توجه به لطف خدا مسائل اقتصادی را مدیریت کنند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱ (توبه: ۲۸).

خدماتحوری باعث می‌شود تا علاوه بر اسباب مادی، برخی اسباب معنوی نیز در امور اقتصادی مدنظر قرار گیرد؛ مثلاً تأثیر بازگشت به سوی پروردگار در بارش باران و افزایش نیروهای مادی و معنوی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۰/ ۳۰۰) از سخن حضرت هود علیه‌السلام برداشت می‌شود: وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ^۲ (هود: ۵۲). آیات دیگری نیز بیانگر ارتباط امور معنوی با مسائل اقتصادی هست (اعراف: ۹۶؛ طلاق: ۲ و ۳)؛ همچنان که برخی امور معنوی مانند آخرت‌گرایی نیز قوام‌بخش جامعه‌ی متوازن و سازنده‌ی توسعه‌ی اقتصادی همراه با معنویت و عدالت است (رضایی دوانی، ۱۳۹۱: ۲۹ - ۴۸).

خدماتحوری در برخی موارد با تبعیت از رهبر الهی جامعه نشان داده می‌شود؛ علاوه بر دستور مطلق اطاعت از رهبر الهی جامعه در آیات متعدد (آل عمران: ۳۲؛ نساء: ۵۹؛ انفال: ۲۰ و...) در برخی مسائل اقتصادی نیز به تبعیت دستور داده شده است، از جمله در پذیرش تقسیم "فیء" به تبعیت از دستور پیامبر و رضایت به تقسیم وی تأکید شده است، "فیء" اموالی را می‌گویند که بدون جنگ به دست مسلمانان افتاده و اختیار آن به صورت کامل در دست پیامبر است تا با مصلحت اندیشی خود مصرف کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۰۷ و ۵۰۸): مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَ لِدَى الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید حقیقت این است که مشرکان ناپاکند پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر [در این قطع رابطه] از فقر بیمناکید پس به زودی خدا اگر بخواهد شما را به فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند که خدا دانای حکیم است.

۲. و ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید و تبهکارانه روی بر مگردانید.

آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۱ (حشر: ۷).
 خدامحوری در برخی موارد در صرفه‌جویی تجلی می‌یابد که از دستورات الهی است؛ علاوه بر توصیه‌های فردی صرفه‌جویی و عدم اسراف (انعام: ۱۴۱؛ اعراف: ۳۱)، مصرف بهینه‌ی بیت‌المال و اصلاح الگوی مصرف ضرورت بسزایی دارد؛ در روایتی از حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در دفاع از بیت‌المال مسلمانان آمده است که نوک قلم‌ها را تیز کنید، سطور را نزدیک هم بنویسید، از زوائد در نامه اجتناب کنید زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر رساندن را ندارد: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَيَّ عُمَالَهُ أَدُقُوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ أَقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْتِنَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ^۲ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۳۱۰).

خدامحوری منافاتی با تعامل اقتصادی میان مردم ندارد، مثلاً در مواردی در سیره‌ی مؤمنان انقلابی مشاهده می‌شود که به تشکر از زحمات اقتصادی مردم پرداخته‌اند؛ حضرت شعیب علیه‌السلام خواست تا مزد آب دادن موسی علیه‌السلام به گوسفندان را بپردازد: فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۳ (قصص: ۲۵)
 همچنین گاهی برای فعالیت اقتصادی در جامعه، مؤمنان انقلابی اعلام آمادگی می‌کنند؛ حضرت یوسف علیه‌السلام با اینکه راه‌حل مسئله بحران اقتصادی را مطرح کرده بود ولی برای اجرای این قانون با درخواست وزارت اقتصاد مصر (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۰/۱۱۵) اعلام آمادگی کرد: قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ^۴ (یوسف: ۵۵)، از این برداشت می‌شود که هر جا لازم باشد باید داوطلب مسئولیت‌های حساس شد

۱. آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینویان و درراه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگرود و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیری و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کیفر است.
۲. امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام به کارگزارانش نوشت: قلم‌های خود را ریز بتراشید، سطرها را نزدیک هم بنویسید، جملات اضافی را حذف کنید و [فقط] اصل مطلب را با عبارت مختصری بنویسید، از پرنویسی پرهیز کنید تا به بودجه مسلمانان زبانی متوجه نشود.
۳. پس یکی از آن دو زن در حالی که به آزر گام بر می‌داشت نزد وی آمد [و] گفت پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پادشاه آب‌دادن [گوسفندان] برای ما مزد دهد و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد [وی] گفت مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی
۴. [یوسف] گفت مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم .



(قرآنی، ۱۳۸۹: ۴/ ۲۳۲).

شایسته‌سالاری و متخصص‌پروری از دیگر مواردی است که با خدامحوری در فعالیت اقتصادی سازگار است؛ وقتی حضرت شعیب علیه‌السلام می‌خواست فردی را برای اداره امور اقتصادی دام‌پروری خود استخدام کند، دختران شعیب فرد واجد شرایط این تعهد و تخصص را به پدر معرفی کردند: قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ^۱ (قصص: ۲۶)؛ همچنان که حضرت یوسف نیز برای تصدی امور کلان اقتصادی کشور مصر و برای مدیریت بحران اقتصادی این شرایط را مطرح کرده است (یوسف: ۵۵).

۷. نتیجه‌گیری

قرآن کریم، برای تعالی و کمال مردم و سیر آنها از ظلمات به هدایت، در حوزه‌های مختلف مورد نیاز مردم و جامعه اسلامی - از جمله در حوزه مسائل اقتصادی که برای عموم مردم نیز قابل لمس است - دستوراتی صادر کرده است، قرآن به این موضوع نگرش همه‌جانبه داشته و مسائل اقتصادی را به قوام جامعه مرتبط می‌داند. پژوهش حاضر با توجه به ظرفیت قرآن کریم در رفع نیازهای علمی مورد نیاز جامعه در حوزه مسائل اقتصادی و تشابه برخی رفتارهای اقتصادی دشمنان امروز اسلام با مشرکان صدر اسلام در مسائلی نظیر تحریم، در پی تبیین شاخص‌های افراد مؤمن انقلابی در حوزه مسائل مالی و اقتصادی است تا علاوه بر ارائه شاخص‌های صحیح رفتارهای اقتصادی، راهکارهای کلی مقابله با تنش‌های اقتصادی را از نگاه تعالیم و حیانی ارائه داده و در پیشگیری از مشکلات و درمان آنها مفید باشد. برای وصول به این هدف نهضت‌های پیامبران از آدم تا خاتم‌علیهم‌السلام را مورد واکاوی قرار داده است تا معیارهای کلی شناختی و رفتاری نیروهای مؤمن و انقلابی را در مسائل اقتصادی و مالی نشان دهد. برای یافتن چنین معیارهایی، از منابع کتابخانه‌ای با محوریت قرآن استفاده شده و با مراجعه به منابع تاریخی، روایی و تفسیری با استنطاق آیات قرآن، نظرگاه این کتاب آسمانی را در مورد مسئله مورد بحث به تصویر کشیده است.

۱. یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.

بررسی روشمند آیات قرآن کریم با نگاه توحیدی - تطبیقی به نگرش و رفتار اقتصادی پیروان پیامبران نشان می‌دهد که می‌توان شاخص‌های اقتصادی نیروهای مؤمن و انقلابی را به شرح زیر تبیین نمود:

برای فعالیت‌های سالم اقتصادی باید قوانین سالمی داشت تا مسیر سعادت دنیوی و اخروی تأمین گردد، داشتن سنجهی صحیح برای توزین کالا و خدمات، امانتداری مردم و مسئولان در استفاده از اموال عمومی و امکانات جامعه، پذیرش مالکیت مردم بر اموال خود، تبیین شرایط کلی تجارت مانند رضایت طرفین و عمل به عهد و پیمان‌های تجاری از جمله‌ی این قوانین سالم است که قرآن علاوه بر نقل، به اجرای آنها از سوی مؤمنان انقلابی نیز سفارش کرده است.

صراحت در بیان اصول و قوانین اقتصادی باعث توزیع عادلانه اطلاعات شده و در دست مجرمان اقتصادی بهانه‌ای مبنی بر بی‌اطلاعی از قوانین نمی‌ماند، از این رو سیره‌ی مؤمنان انقلابی بر شفافیت قوانین اقتصادی است، تحریم معاملات ربوی، نکوهش کم‌فروشی، تعیین مجازات دنیوی برای مفسدان اقتصادی از جمله این قوانین است.

استفاده از شیوه‌های نامتعارف برای کسب ثروت نظیر بخت‌آزمایی و قمار، مورد تأیید قرآن نیست و مومنان انقلابی باید با تلاش‌های سالم متناسب با شرایط و نیازهای جامعه به فعالیت اقتصادی بپردازند، چوپانی و دامداری، صنعت، تجارت، کشاورزی و برخی فعالیت‌های مشارکتی نظیر مزارعه، مضاربه و مساقات نمونه‌هایی از این تلاش‌های سالم است که در قرآن در وصف مؤمنان انقلابی آمده است.

نیروهای مؤمن انقلابی به مراکز مالی غیر توحیدی وابسته نیستند و در ضمن تعامل با دیگران، از لحاظ اقتصادی مستقل هستند، استقلال اقتصادی هنگامی که امکان تسلط اقتصادی دشمنان وجود دارد بیشتر تأکید شده است، ترجیح استفاده از محصولات نامرغوب مسلمانان به محصولات مرغوب دشمنان و نهی از قرض گرفتن از جمله مواردی هستند که برای ممانعت از سلطه اقتصادی دشمنان معرفی شده‌اند.

نیروهای مؤمن انقلابی، مواقع بحران اقتصادی را پیش‌بینی کرده و در موقع بروز چنین بحرانی، توان مدیریت آن را دارند و در این راه پیشگام هستند؛ نجات بحران اقتصادی مصر با مدیریت حضرت یوسف علیه‌السلام و مدیریت بحران اقتصادی شعب ابی‌طالب



از سوی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از مصادیق رفتارهای مؤمنان انقلابی در بحران‌ها هستند.

نیروهای مؤمن انقلابی بخشی از سرمایه‌ی خود را صرف نیازمندان کرده و بدون توجه به اعتقادات، از آنها دستگیری می‌کنند؛ کمک اقتصادی انصار مدینه در پناه‌دادن سیاسی و اقتصادی به مهاجران و اطعام فقیر، یتیم و اسیر از سوی اهل بیت علیهم‌السلام در سوره‌ی دهر از مصادیق بارز این شاخص است.

وجود رفتارهای ناسالم اقتصادی و ناهنجاری‌های مالی باعث ایجاد محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های اقتصادی سالم مردم می‌شود، نیروهای مؤمن انقلابی در این شرایط با شناسایی آسیب‌ها، به مقابله با آنها می‌پردازند؛ نظیر مبارزه‌ی حضرت شعیب علیه‌السلام با کم‌فروشی و فساد در معاملات، مبارزه‌ی حضرت موسی علیه‌السلام با خودمحموری قارون در ثروت اندوزی، مبارزه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با رباخواری در جامعه‌ی عرب، مبارزه با احتکار و رشوه‌خواری.

نفی اشرافیت و ساده‌زیستی، سیره‌ی نیروهای مؤمن و انقلابی است، هم‌سطحی امکانات مادی پیامبران با عموم مردم و چگونگی پوشش ائمه علیهم‌السلام می‌تواند از ادله‌ی این شاخص محسوب گردد.

محور اصلی فعالیت‌های اقتصاد نیروهای مؤمن انقلابی، اندیشه‌های توحیدی است، لذا در همه‌ی فعالیت‌های مالی، توجه به خداوند به عنوان یک اصل مطرح شده و حتی انفاق مستحبی نیز به نیت غیرخدا مورد پذیرش واقع نمی‌شود؛ بدین ترتیب همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی همچون تولید، صرفه‌جویی، شایسته‌سالاری و تخصص‌محوری به عنوان عبادت محسوب می‌گردد، با این باور علاوه بر امکانات مادی، عوامل معنوی نیز در پیشرفت اقتصادی سهم خواهند بود.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (شریف رضی، محمد بن حسین، ترجمه محمد دشتی، قم: شاکر، چاپ اول، ۱۳۷۹).
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، چاپ اول.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ ق)، المصنف، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- _____ (۱۴۰۶ ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چاپ اول.
- ابن حنبل، احمد (بی تا)، المسند، بیروت: دار صادر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴ م)، التحرير و التنویر، تونس: دار التونسیه للنشر، چاپ اول.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم المقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر / دار صادر، چاپ سوم.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک (بی تا)، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفه.
- اسحاقی، حسین (۱۳۹۰)، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، نشر هاجر، چاپ اول.
- اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۱۲ ق)، دلائل النبوه، بیروت: دار النفائس، چاپ سوم.
- ایروانی، جواد (۱۳۹۱)، آشنایی با اقتصاد اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۳)، "اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث"، الهیات و حقوق، شماره ۱۴، ص ۹۱ - ۱۲۰.
- بابا پور گل افشانی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ها و فرایند شکل‌گیری، قم: مرکز بین‌المللی نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، چاپ اول.



- باکوبی، مهدی و داوری چلقانی، احد (۱۳۹۶)، "مراتب حساسیت نیروهای انقلابی در برابر دشمن از دیدگاه قرآن کریم"، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۲، ص ۳۱-۶۰.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیة، قم: نشر الهادی، چاپ اول.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۶ ق)، الأدب المفرد، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة، چاپ اول.
- برقی، محمد بن احمد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم.
- بکری، احمد بن عبد الله (۱۴۱۱ ق)، الانوار فی مولد النبی صلی الله علیه و آله، قم: دار الشریف الرضی، چاپ اول.
- بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۲)، "رویکردهای مطالعات سیاسی در قرآن کریم"، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۲، ص ۳۹-۶۲
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۹۰)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ ششم.
- تسخیری، محمد علی (۱۳۹۰)، اقتصاد اسلامی، تهران: معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ دوم.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، احکام القرآن، بیروت: دار احياء التراث العربی، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم، قم: اسراء، چاپ دوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۱۴ ق)، الفقه، القواعد الفقهیة، بیروت: المركز الثقافی الحسینی، چاپ اول.
- حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی، چاپ اول.
- خاندوزی، احسان و سید حسین زاده، سعید (۱۳۹۴)، "راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی (بررسی موردی قصص پیامبر اکرم ص حضرت یوسف ع و حضرت شعیب ع)"، آفاق امنیت، شماره ۲۹، ص ۸۹-۱۱۴
- دانشگر، احمد (۱۳۸۱)، فرهنگ لغات فارسی نوین، تهران: حافظ نوین، چاپ اول.
- دیانت، محسن و فرهادی، محمد و عباسی قادی، مجتبی (۱۳۹۷)، "بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی، مورد مطالعه: داعش"، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره یازدهم، شماره ۱، ص ۱۰۱-۱۲۱.
- دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ ق)، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة / منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت / دمشق: دار القلم / الدار الشامیة، چاپ اول.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم: کتاب مبین، چاپ سوم.

- _____ (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، چاپ اول.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۹۱)، "آخرت‌گرایی قرآنی، قوام بخش اقتصاد متوازن"، اقتصاد اسلامی، شماره ۴۷، ص ۲۹ - ۴۸.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)، سیمای اقتصاد اسلامی، قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چاپ بیست و یکم.
- سید حسین زاده، سعید و شریف زاده، محمد جواد (۱۳۹۵)، "سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی"، اقتصاد اسلامی، شماره ۶۲، ص ۵ - ۳۲.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ ق)، المحيط فی اللغه، بیروت: عالم الکتاب، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صالحی امیری، رضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس، چاپ اول.
- صالحی، زهره و حیدری، محمد رضا (۱۳۹۶)، "الگوی نظام مبادله در اقتصاد اسلامی (با پافشاری بر تقارن اطلاعات)"، اقتصاد اسلامی، شماره ۶۵، ص ۱۱۹ - ۱۴۷.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۷)، اقتصادنا، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
- صدر، سید محمد باقر (بی‌تا)، المدرسة القرآنیة: التفسیر الموضوعی و التفسیر التجزیئی فی القرآن الکریم، بیروت، دار التعارف، بی‌چا.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طباطبایی قمی، تقی (۱۳۸۱)، الأنوار البهیة فی القواعد الفقهیة، قم: محلاتی، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۲ ق)، سنن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن/ اربد: دار الکتاب الثقافی، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل‌البيت، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چاپ چهارم.



- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: دار التراث، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران: مرتضوی، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- عبدالله زاده، رحمت الله و عبداللهی، مصعب و غفار زاده، حسین (۱۳۹۶)، "شفافیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی (با پافشاری بر منابع قرآنی و روایی)"، اقتصاد اسلامی، شماره ۶۸، ص ۳۳-۶۳.
- عمید، حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر، چاپ دوازدهم.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و ریشه‌های آن، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، چاپ اول.
- فارسی، جلال الدین (۱۳۷۴)، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، (مشهد): بنیاد فرهنگی امام رضا علیه‌السلام، چاپ اول.
- فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۳۸۳)، القواعد الفقہیة، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم‌السلام، چاپ اول.
- فتحعلیانی، حامد و حسینی، سید حمید (۱۳۹۷)، "اقتصاد اسلامی (شاخص‌های زمینه ساز در اخلاق اقتصادی بر مبنای قرآن و نهج‌البلاغه)"، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۲۹، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر/ مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵)، روش شناسی مطالعات دینی، تحریری نو، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
- فراهانی فرد، سعید و کشاورز، محسن (۱۳۹۳)، "بررسی تجربی تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی ایران"، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، ص ۷-۳۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، العین، قم: هجرت، چاپ اول.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه‌السلام، چاپ اول.
- قاضی خانی، حسین (۱۳۹۲)، "نقش اقتصاد در ایجاد تعارض در مدینه و چگونگی برخورد پیامبر صلی‌الله علیه و آله با آن"، مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال اول، شماره ۲، ص ۸۹-۱۱۱.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۹)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ چهارم.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱۴۱۸ ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ دوم.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۳۹۴ ق)، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران: المکتبة المرتضویة،



- چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
- کشف، منذر و میر معزی، حسین (۱۳۸۵)، "علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش"، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۳، ص ۱۵۷-۱۸۶.
- لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
- محمدی راد، حمید و ممقانی، زینب (۱۳۹۷)، "قلمرو کم‌فروشی در فقه و حقوق ایران"، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۵۱، شماره ۱، ص ۲۰۳ - ۲۲۰.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۸۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ششم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، تهران / قم: صدرا، چاپ چهارم.
- معصومی نیا، غلام علی (۱۳۸۶)، "اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار)"، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۶ ص ۱۱۹-۱۴۸.
- معلمی، مهدی (۱۳۹۴)، "چیستی تفسیر اقتصادی قرآن کریم و رویکردهای مختلف آن"، پژوهش نامه علوم انسانی اسلامی، شماره ۴، ص ۱۰۸ - ۱۳۷.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی متوسط، تهران: امیر کبیر، چاپ دهم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۹)، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دهم.
- میر معزی، حسین و قائمی نیا، علی اصغر (۱۳۹۰)، "نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی"، اقتصاد اسلامی، شماره ۴۳، ص ۵-۲۶.
- نخعی، هادی (۱۳۹۰)، "انقلاب: بغرنجی در مفهوم، تنوع در مصداق"، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۴، ص ۱۳۱-۱۷۰.



- نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ ق)، السنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- نصیری، علی (۱۳۸۴)، "مبانی کلامی تفسیر موضوعی"، مجله اندیشه نوین دینی، شماره ۳، ص ۷۳-۱۰۶
- نیکفر، جاسب و باقری، محمد (۱۳۹۵)، "انقلاب در قرآن"، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۶، ص ۷-۲۰.
- هادیان، ناصر (۱۳۹۱)، "مفهوم انقلاب و تحولات جهان عرب"، مجله سیاست، شماره ۲۴، ص ۲۰۵-۲۲۴.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی، چاپ اول.